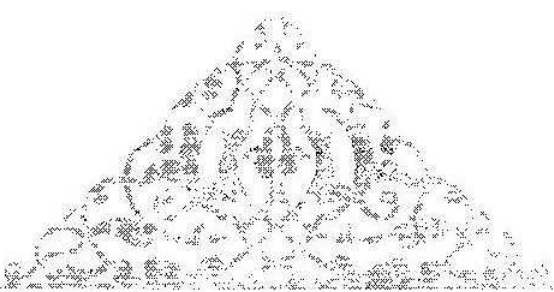


داستان‌های از زندگانه حضرت سلیمان (علیه السلام)

نویسنده: محمد صفایی حیدری
ویراستار: هادی عبدی



سرشناسه	صفایی حبیب‌لو، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	داستان‌هایی از زندگانی حضرت سلیمان (ع) / نویسنده محمد صفایی حبیب‌لو؛ ویراستار هادی عیدی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات آریان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۹ ص.
شابک	978-600-8688-03-7 :
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا.	
موضوع	سلیمان، پیامبر - داستان.
موضوع	Solomon, King of Israel -- Fiction :
موضوع	پیامبران -- سرگذشت‌نامه.
موضوع	Prophets -- Biography :
شناسه افزوده	عیدی، هادی، ۱۳۶۳ - ویراستار.
رده‌بندی کتبی	۱۳۹۵ ص ۷۵۲ / ۸۸/۵ BP
رده‌بندی دی‌رجی	۲۹۷/۱۵۶ :
شماره کتابشناسی	۴۵۴۶ ۳۲



نام کتاب:	داستان‌هایی از زندگانی حضرت سلیمان (ع)
نویسنده:	محمد صفایی حبیب‌لو
ویراستار:	هادی عیدی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۹۵
شمارگان:	۵۰۰ نسخه
قیمت:	۷۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۸-۰۳-۷

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر برای انتشارات آریان محفوظ است. »

نشانی:	تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۶، طبقه اول
تلفن:	۶۶۴۰۰۲۳۵ - ۶۶۹۷۱۳۴۴
پست الکترونیک:	info@arayanbook.com
سایت:	www.arayanbook.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
	حضرت سلیمان (علیه السلام)
۱۳	حضرت سلیمان (ع)
۱۶	مورچه و سلیمان
۱۷	پرسش و پاسخ مورچه با سلیمان (ع)
۱۸	هدهد
۱۹	کاخ بلقیس
۱۹	چاره اندیشی بلقیس
۲۰	هدایای بلقیس
۲۰	شرم و تعجب فرستادگان بلقیس
۲۱	قوم سبا
۲۳	بلقیس به دیدار سلیمان (ع) می رود
۲۴	سلیمان و انگشتی
۲۵	مرگ سلیمان نبی (ع)
۲۶	ساخت بیت المقدس
۲۸	منابع و مأخذ

مقدمه

ای خدایا، نزل تو حاجت روا
با تو یاد هیچ کس نبود روا
قطره‌ای دانش که بخشیدی ز پیش
متصل گردان به دریا‌های خویش

هیچ گمانم نبود که بر متن منده بر کتابی، که در نوشتنش روزگاری خوش و خاطره‌انگیز را صرف کردم، چنین دشوار باشد. خار خار پرداختن به داستان‌های پیامبران، از سال‌های نوجوانی همراه من بوده است؛ و من که در خلوت و سکوت شب‌های آیینگی مادر بزرگم - که سال‌هاست ندارمش - می‌بالیدم، ترنم داستان‌های اخلاقی او از زندگی پیامبران و امامان، ذهن ناپخته مرا به عالمی ژرف و رمز و رازگونه می‌کشید.

مادر بزرگم - که روانش شاد باد - عمری طولانی زیست. با حدود یک‌صد سال - من که همیشه ملازم خاطرش در یکی از اتاق‌های خانه پدرم بوده - تنها وه‌ای بودم که بیشتر اوقاتم با او می‌گذشت و او نیز برای سرگرم کردنم و القای اندیشه‌های تعلیمی‌اش، بارها از پیامبران سخن می‌گفت. او تعریف می‌کرد که شوهرش در دوران قرون وسطایی ساسان ایرانی، خاصه احمد شاه قاجار، میرزا بنویس ارباب بوده و در میان مردمان بی‌سواد و احیاناً کم‌سواد روزگار خودش، قرآن می‌خوانده و در خانه کتاب‌هایی داشته است.

یک حرف و دو حرف داستان‌های پیامبران را چنین زنی بر ذهن و زبانم ارزانی داشت؛ شب‌ها تادیر وقت پای صحبتش می‌نشستم و مشتاقانه سخنانش را «می‌نوشتیم». به مدرسه که می‌رفتم، اینجا و آنجا، از آن داستان‌ها حرف می‌زدم و بر دانسته‌های ناپخته خود می‌بالیدم. وقتی که به روزگار کنونی رسیدم؛ اگر چه بیش از دو برابر عمری که با مادر بزرگم را

گذرانده‌ام، طی کرده‌ام؛ اما یاد و خاطره آن داستان‌ها همیشه با من بوده است؛ تا این که پیشنهاد نوشتن چنین داستان‌هایی از طرف دوست خویم، جناب آقای علی اصغر بشیری به من داده شد. فوراً پذیرفتم و درباره چگونگی کار و نوع نوشتن داستان‌ها وارد بحث شدیم و سرانجام پس از رسیدن به توافق دست به کار شدم.

از عمق و ظرافت کار آن گاه آگاه شدم که قلم در دست گرفتم. بارها قرآن و تفاسیر مختلف را به جد خواندم و سری به کتاب‌های گوناگون درباره زندگی پیامبران زدم. از گوشه و کنار نیز کتاب‌هایی را بافتم؛ حتی مثنوی مولوی را خواندم؛ اگر چه از منظری متفاوت با گذشته. قصص الانبیاء ابو اسحاق نیشابوری را که کهن‌ترین مجموعه مدون از زندگی پیامبران است، بارها خواندم و کشته‌سر / میبیدی را از نظر گذراندم. تاریخ طبری و تاریخ کامل را بارها ورق زدم تا مطالب مختلف را از نگاه‌های گوناگون مطالعه کرده باشم. در میان کتاب‌ها، کتاب شرف‌النبی اثر ابوسعید اعظمی را نیز در خور توجه یافتم.

بیشتر از آن چه که بیان شده به کتاب، ختلف سر زدم و ره‌توشه‌ها برداشتم و از میان آن همه داستان‌های گوناگون و گاه یک، اندک و گاه ده، دست به گزینش و بازنویسی برخی از داستان‌های آن زدم که نتیجه آن کتابی است که هم‌اکنون پیش رو دارید.

معیارهای اصلی من در این گزینش‌ها، نخست متن و متن متقن بوده است؛ با توجه به این که بیان تک‌تک اسناد در پایان هر داستان ممکن نیست. موبدب ملال خواننده ارجمند گردد، همه منابعی که در نوشتن این کتاب از آن‌ها بهره برده شده است، در پایان کتاب آوردم. یکی از مهمترین معیارها در نوشتن داستان‌های پیامبران، تطبیق با متون اسلامی و قرآنی و روایات اصیل بوده است؛ به همین دلیل در مقدمه‌های داستان‌های هر پیامبر اشارتی به منابع قرآن و روایی نیز دیده می‌شود.

داستان‌های مربوط به هر پیامبر در دو بخش آورده شده است؛ نخست از دید تاریخی و روایی بررسی شده‌اند و سپس به بیان برخی داستان‌ها، پرداخته شده‌اند؛ بنابراین در چند مورد داستان‌ها حالت تکرار به خود گرفته‌اند، که این موضوع ناشی از اختلاف روایت در برخی متون بوده است.

تلاش اصلی من در این داستان‌ها این بوده است که به دور از اغراق داستانی را از

پیامبران (علیهم السلام)، به زبان ساده بیان کنم که برای همه افراد قابل فهم باشد. دنبال حوادث متافیزیکی که متون دینی و معتبر برخی از آن‌ها را تأیید نمی‌کند نیز نبوده‌ام؛ چرا که باورم بر این بوده و هست که برای بیان عظمت پیامبران الهی نیازی به داستان‌های غیر مستند نیست. من فقط گوشه‌ای از عظمت آنان را با قلم نارسای خود به تصویر کشیده‌ام و امید است که در تلاشم موفق بوده باشم.

پی‌گیر دائمی پیشرفت کار نوشتن کتاب، کسی نبود جز فرزندم امیرعلی با برادرش امیر سام، که مشتاقانه مسوده‌های آن را بر می‌گرفت و با آن سواد دبستانی‌اش مطالعه می‌کرد. در گرفتارهای آن روزهایی که داشتم، تحصیل و تدریس و خانه‌به‌دوشی، محیط آرام و بی‌تشویش همسرم برایم فراهم می‌کرد؛ از بخت شکر دارم واز روزگار هم.

پدر و مادرم، مثال همی‌ده چراغ امید را در دل من روشن نگه می‌داشتند، تا سرانجام این کار را مشاهده کنند. امیدم که قدردان محبتشان بوده باشم.

شایسته است این مقدمه را با سانس بی‌دریغ از دوست خوبم، جناب آقای علی اصغر بشیری به اتمام برسانم؛ ایشان بودند که دیر تنائی را از وجودم دور کردند. از آقای مصطفی رضایی دلیل هم که در یافتن برخی از منابع داستانی را یاری داده‌اند و هم‌چنین از مدیر محترم انتشارات آریان که تأخیر بسیار این کار را رتافتند و سپاس‌گزارم.

بمنه و کرمه

محمد صفایی حبیب‌لو

۱۳۹۵/۱۰/۲۷